

## کده ا سپتامبر و تأثير آن بر سياست دولت پاکستان در قبال گروه های اسلامي

ترجمه محمد جواد آقاچري

رویداد یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ م نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان به شمار می آید. این حادثه همان گونه که به هنگام وقوع همگان را شگفت زده کرد، پیامدهای بزرگی نیز داشت که همچنان ادامه دارد. یکی از کشورهایایی که سخت تحت تأثیر این حادثه قرار گرفت پاکستان بود. به دنبال این رویداد، پاکستان از چند جنبه مورد توجه سیاستمداران غربی و آمریکایی قرار گرفت. نخست همسایگی این کشور با افغانستان بود که می توانست بعنوان پایگاهی برای حمله به افغانستان مورد استفاده نیروهای نظامی غرب قرار گیرد. دیگر این که دولت پاکستان و تعدادی از گروه های سنی فرقه گرای این کشور پدروخوانده ها و پرورش دهندگان طالبان محسوب می شدند و بنابراین لازم بود دولت پاکستان موضع رسمی خود را در قبال طالبان و همچنین گروه های مذهبی این کشور روشن نماید. در این مقاله بر آنیم که تأثیر حادثه یازدهم سپتامبر بر این سیاست و نحوه برخورد دولت ژنرال پرویز مشرف با گروه های اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم.

در سال ۱۹۹۴ م رسانه های گروهی برای نخستین بار با نام طالبان آشنا شدند؛ گروهی از طلاب و روحانیون افغانی که زیر فرماندهی فردی به نام مولوی ملا عمر (روحانی افغانی متولد میوند در غرب قندهار که پیش از آن در جنگ با نیروهای شوروی شرکت جسته بود) بسیج شده بودند و با دعوت مردم شهرها و روستاها به آنچه آن را اسلام راستین می خواندند، داعیه آزادی افغانستان از فتنه و تفرقه و ایجاد دولت اسلامی داشتند.

گرچه در ابتدای امر حرکتی که با نام تحریک اسلامی طالبان افغانستان آغاز شده بود از دید ناظران، حرکتی همانند فعالیت گروه های جهادی در افغانستان تلقی می شد، ولی پیشروی سریع این گروه همرا به این باور رساند که با پدیده ای متمایز و ویژه روبرو هستند.

حمایت های عربستان و پاکستان از طالبان و چشم اندازی که این دو کشور از آینده افغانستان ارائه کرده بودند، سیاستمداران آمریکا را متقاعد ساخت که این روند می تواند در جهت منافع آمریکا در منطقه باشد.<sup>۱</sup>

هنگامی که طالبان در سال ۱۹۹۵ هرات را

تسخیر و هزاران دختر را از مدارس اخراج کردند، هیچ انتقادی از سوی آمریکایی ها ابراز نشد. در واقع ایالات متحده، همراه با سازمان اطلاعات پاکستان (I.S.I) سقوط هرات را گامی در راه محاصره هر چه بیشتر ایران می پنداشتند.

با اشغال کابل توسط طالبان در سپتامبر سال ۱۹۹۶، سیا (CIA) بر مبنای تحلیل های ارائه شده از سوی I.S.I بار دیگر این ایده را مطرح کرد که طالبان می توانند سراسر کشور را تحت سلطه خود در آورند. در همان زمان معاون وقت وزیر خارجه آمریکا در امور جنوب آسیا از همه دولت ها خواست که طالبان را به رسمیت بشناسند و از منزوی کردن آنها بپرهیزند.<sup>۲</sup>

گرچه سیا بودجه خاصی برای تجهیز و تأمین امکانات برای طالبان در نظر نگرفت، اما حمایت ایالات متحده از برنامه هم پیمانان سنی خود یعنی پاکستان و عربستان برای تأمین سلاح و دادن کمک مالی به طالبان، غیر مستقیم نشان دهنده پشتیبانی آن کشور از طالبان بود.

در اواخر ۱۹۹۷، دیدگاه واشنگتن نسبت به طالبان تغییر یافت. این دگرگونی معلول بحران روز افزون اقتصادی و سیاسی در پاکستان بود. مقامات آمریکایی ابراز نگرانی می کردند که مواد مخدر، تروریسم و بنیادگرایی اسلامی که طالبان پیام آور آن بودند ممکن است متحد قدیمی آنان یعنی پاکستان را که وضعی شکننده داشت دستخوش تحولات سیاسی ناخوشایند سازد. آمریکا به پاکستان نسبت به این خطرات هشدار داد، اما I.S.I از پذیرش ایده های آمریکا مبنی بر فشار آوردن بر طالبان برای انعطاف بیشتر خودداری کرد.

نخستین بار در نوامبر ۱۹۹۷، مادلین آلبرایت (وزیر امور خارجه وقت آمریکا) در سفر به اسلام آباد این تغییر سیاست آمریکا را آشکارا مطرح کرد. وی از رفتار طالبان در خصوص زنان انتقاد کرد و به پاکستان هشدار داد که استمرار حمایت آن دولت از طالبان باعث منزوی شدن پاکستان در آسیای مرکزی خواهد شد و این امر به هیچ عنوان به سود آمریکا نخواهد بود، چرا که از نفوذ آمریکا در منطقه خواهد کاست.

برخی از ناظران، تغییر سیاست آمریکا در قبال

بن لادن باعث دستیابی بن لادن به سلاح کشتار جمعی گردد. همچنین وجود این گروه‌ها پیوسته نگرانی ظهور بن لادن‌ها و طالبان دیگری را به وجود می‌آورد.

### پاکستان و انتخابی دشوار

چنان که اشاره شد، حمله یازدهم سپتامبر به شهرهای نیویورک و واشنگتن، پاکستان را برای تصمیم‌گیری در وضعی دشوار قرار داد. آمریکا از پاکستان درخواست کرد که برای حمله به افغانستان و نیروهای بن لادن با آن کشور همکاری کامل نماید. در مقابل درخواست روشن آمریکا، دولت پاکستان دوره بیشتر پیش رو نداشت؛ یکی پذیرش همکاری کامل با آمریکا بر ضد گروه طالبان و دیگری رد همکاری و ادامه حمایت از طالبان.

با توجه به اینکه بخشی از نظامیان و نیز جامعه اسلامی پاکستان خواستار تداوم فرآیند حمایت از طالبان از سوی دولت خود بودند، انتخاب هر یک از این راه‌ها دشواری‌های خاص خود را داشت. عدم همکاری با آمریکا می‌توانست پاکستان را در فهرست کشورهای که بعداً بعنوان محور شرارت شناخته شدند قرار دهد و با توجه به حمایت مستقیم این کشور از طالبان، پیامدهای سختی در سطح بین‌المللی و از سوی آمریکا برای این کشور به بار آورد و همکاری با آمریکا نیز می‌توانست کشور را دچار بحران داخلی سازد؛ بحرانی که از نگاه برخی از ناظران از جمله «حمید گل» رئیس سابق سرویس اطلاعات نظامی پاکستان می‌توانست به سقوط پرویز مشرف بینجامد.<sup>۶</sup>

ارتشبد مشرف همکاری کامل با آمریکا را برگزید و در جلسه‌ای مهم در اسلام‌آباد که فرماندهان ارتش و اعضای دولت حضور داشتند، موضوع همکاری و ضرورت آن را توضیح داد. در آن جلسه بسیاری از فرماندهان نظامی با اقدام نظامی آمریکا در افغانستان مخالفت کردند و یک فرمانده ارشد ارتش در اعتراض به همکاری پاکستان و آمریکا از سمت خود استعفا کرد.<sup>۷</sup>

مخالفت با همکاری آمریکا و پاکستان بر ضد طالبان در داخل دولت و میان فرماندهان نظامی به سرعت خاموش شد، ولی در پی اعلام رسمی این

طالبان را به تغییرات عمده در واشنگتن نسبت داده‌اند. در اوایل سال ۱۹۹۷ وارن کریستوفر جای خود را به مادلین آلبرایت داد. آلبرایت که کودکی خود را در اروپای شرقی گذرانده بود، اعتقاد داشت که حقوق بشر باید به صورت دستورالعمل عمده وزارت خارجه درآید. افزون بر آن، پس از حمله نیروهای بن لادن به سفارت‌های آمریکا در آفریقا در اوت ۱۹۹۸، تنش میان آمریکا و پاکستان افزایش چشمگیر یافت. ولی در این دوره آمریکا بیشتر در صدد بود که بن لادن را دستگیر و محاکمه کند. در واقع آمریکا سیاستی در مخالفت با بن لادن داشت نه افغانستان.<sup>۸</sup>

آنچه باعث شد آمریکا دست رد به سینه طالبان بزند، فشاری بود که از سوی جنبش فمینیستی در آن کشور بر دولت وارد می‌شد. زنان فمینیست افغانی مانند «زیبا شورش شملي» از جامعه فمینیستی جهان از جمله آمریکا دعوت کرده بودند که به حمایت از زنان افغان برخیزند و از کلینتون بخواهند که در خصوص طالبان شدت عمل به خرج دهد. سیصد جمعیت زنان، اتحادیه‌های کارگری و گروه‌های طرفدار حقوق بشر حمایت خود را از زنان افغان اعلام کردند.<sup>۹</sup>

گرچه به دنبال این امر، موضعی در رد اقدامات طالبان از سوی مقامات ایالات متحده اعلام شد ولی اقدام واقعی و عملی هنگامی در دستور کار قرار گرفت که برج‌های تجارت جهانی و پنتاگون در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ مورد حمله قرار گرفت. از همان لحظات نخست پس از حمله، انگشت اتهام مقامات آمریکایی به سمت بن لادن و طالبان اشاره داشت. از میان دولت‌ها نیز پاکستان در وضعی قرار گرفته بود که می‌بایست مسیر آینده خود را مشخص سازد. تصمیم اسلام‌آباد مبنی بر حمایت از آمریکا در جنگ با طالبان و دادن پایگاه به آمریکا موضعی بود فارغ از گرایش‌های ایدئولوژیک، که صرفاً از منافع ملی آن کشور سرچشمه می‌گرفت. افزون بر این، پاکستان بعنوان پرورشگاه طالبان لازم بود اقداماتی در جهت محدود کردن گروه‌های فرقه‌گرا و متعصب به عمل آورد. یکی از نگرانی‌های ایالات متحده این بود که نفوذ این گروه‌ها در سازمان‌های سیاسی، امنیتی و نظامی پاکستان از یک سو و نیز ارتباط آنها با طالبان و

○ حمایت‌های عربستان و پاکستان از طالبان و چشم‌اندازی که این دو کشور از آینده افغانستان ارائه کرده بودند، سیاستمداران آمریکا را متقاعد ساخت که پشتیبانی غیرمستقیم از طالبان می‌تواند به سود ایالات متحده در منطقه باشد.

○ دولت آمریکا و سازمان اطلاعات پاکستان، تسخیر هرات به دست طالبان در ۱۹۹۵ را گامی در راه محاصره هر چه بیشتر ایران می پنداشتند.

همکاری از طرف ارتش مشرف، واکنش‌های منفی چشمگیری در پاکستان شکل گرفت. این مخالفت‌ها عمدتاً از سوی نیروهای مذهبی هوادار طالبان و علمای دینی ابراز شد. تظاهرات اعتراض آمیز و تهدید به جهاد و اشغال پایگاه‌های نظامی بوسیله مردم در صورت استقرار نیروهای آمریکایی در آنها، نمونه‌هایی از واکنش‌ها بود.<sup>۸</sup> در این مورد که اسلام آباد چگونه به این نتیجه رسیده و آیا اتخاذ این موضع به معنای شکست آرزوهای سیاسی و عقیم ماندن اهداف استراتژیک اسلام آباد بوده است، برخی معتقدند که قرار گرفتن اسلام آباد در کنار و اشنگن در واقع نشانه‌زیرکی و شناخت وضع موجود از سوی زمامداران پاکستان بوده است.

پاکستان طی سی سال گذشته از هم‌پیمانان نزدیک ایالات متحده در شبه قاره هند به‌شمار می‌رفته است و همواره نیازمند پشتیبانی نیرومند بوده که در مقابل هند تقویتش کند. نزدیکی اسلام آباد و واشنگتن یک پشتوانه استراتژیک برای پاکستان محسوب می‌شود. این نزدیکی به پاکستان فرصت داد تا هم‌پیمانی خود با آمریکا را مستحکمتر سازد و در گام نخست از کمک پنجاه میلیون دلاری آمریکا بهره‌مند و نیز از تحریم بین‌المللی رها گردد.<sup>۹</sup>

از سوی دیگر، اسلام آباد به خوبی دریافت که عدم همکاری در این زمینه می‌تواند به لحاظ سیاسی و نظامی در درازمدت برای پاکستان خطر ساز باشد. این کشور با رقیب دیرینه و فرصت‌طلبی مانند هند روبروست. دهلی نو با توجه به فرصت پدید آمده می‌توانست به راحتی جایگزین اسلام آباد شود. بنابراین پاکستان با پیوستن سریع به ائتلاف آمریکا و اجازه دادن به آن کشور برای استفاده از پایگاه‌ها و خاک پاکستان برای حمله به افغانستان، عملاً ابتکار دهلی نو و اقدامات دولتمردان هند را خنثی کرد. به همین جهت بود که پاکستان اعلام کرد آمریکا نباید از پایگاه‌های هند برای حمله به افغانستان استفاده کند.<sup>۱۰</sup>

افزون بر این، پاکستان در معادلات سیاسی افغانستان دارای منافع جدی است و از دلایل رضایت دادن آن دولت به سرنگونی حکومت طالبان، تضمین شدن ادامه حضور سیاسی پاکستان

در صحنه معادلات افغانستان بوده است. به یقین پاکستان از آمریکا این اطمینان را یافته بود که رژیم جانشین طالبان رژیمی نخواهد بود که خطری برای اسلام آباد و منافع آن ایجاد نماید. حکومتی که اکنون جایگزین حکومت طالبان شده متشکل از غربگراها و تکتو کرات‌هایی است که تعداد زیادی از آنان پشتون و طرفدار غرب و ظاهر شاه هستند و هیچ‌گاه در جبهه سیاسی مخالف پاکستان قرار نداشته‌اند و از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک، مشکل غیر قابل حلی با اسلام آباد احساس نمی‌کنند. از این رو تقابل و تعارضی جدی در آینده با این کشور ایجاد نخواهند کرد. حضور سیاسی و استراتژیک آمریکا در افغانستان نیز خود تضمین مهمی است که اسلام آباد را از خطرات احتمالی آینده مصون می‌دارد. قرار گرفتن افغانستان در مدار متحدان ایالات متحده، خود به خود زمینه‌ها و بهانه‌های تخاصم متقابل میان کابل و اسلام آباد را رفع خواهد کرد.

در واقع همین توجیهات بود که نظامیان واقع‌گرای پاکستان را علی‌رغم مخالفت اولیه برخی از آنان، متقاعد ساخت که دستور کار جدید را بپذیرند. شماری از نظامیان و مقامات امنیتی که نتوانستند واقعات را بپذیرند و به وضع موجود تن در دهند به گونه‌ای از صحنه کنار زده شدند. رییس اطلاعات نظامی I.S.I بالاترین مقام پاکستانی طرفدار طالبان از ترفیع محروم شد و تصمیم گرفت باز نشسته شود. محمد عزیز خان از دیگر مقامات I.S.I که تصور می‌شد یکی از ایدئولوگ‌های تندرو باشد از فرماندهی یک واحد مهم ارتش در لاهور به پستی که قدرت فرماندهی مستقیم سربازان را نداشته باشد، گمارده شد.<sup>۱۱</sup>

گروه‌های اسلامی در برابر دولت پاکستان بیشترین مخالفت‌ها را نشان دادند و به دنبال اعلام پاکستان مبنی بر همکاری با آمریکا، حرکت‌هایی اعتراضی از سوی این گروه‌ها صورت گرفت. برخلاف گفته پرویز مشرف مبنی بر اینکه «۹۰ درصد از مردم پاکستان میان‌رو و بر دبار هستند و افراتیون تنها ۵ تا ۱۵ درصد از جمعیت این کشور را به خود اختصاص داده‌اند»<sup>۱۲</sup> نظر سنجی مؤسسه گالوپ در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۱ م نشان داد که تنها یک سوم از مردم پاکستان با سیاست

آمریکا در مورد افغانستان تغییر دهد. این احزاب با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند چنانچه افغانستان برای مقابله با آمریکا اعلام جهاد کند، در کنار آن خواهند بود.<sup>۱۷</sup>

در همان حال، شوکت عزیز وزیر دارایی اعلام کرد یقین دارد حمایت پاکستان از عملیات نظامی آمریکا بر ضد گروه طالبان، منافع اقتصادی برای این کشور خواهد داشت. وی اظهار امیدواری کرد که این همکاری از یک سو باعث رشد اقتصادی و دسترسی بیشتر به بازارهای آمریکا شود و از سوی دیگر برای بازپرداخت بدهی‌ها و دریافت وام‌های جدید تسهیلات بیشتری فراهم آید. عبدالستار وزیر امور خارجه پاکستان نیز پیش از آن گفته بود امیدوار است در برابر همکاری این کشور با آمریکا برای سرکوب تروریسم بین‌المللی، تحریم‌های این کشور لغو شود یا دستکم کاهش یابد.<sup>۱۸</sup>

با وجود این، دوازده روز بعد (۱۶ سپتامبر ۲۰۰۱ / ۸۰/۶/۲۸) شورای علمای پاکستان متشکل از عالی‌ترین مقامات پاکستان که وظیفه فتوا دادن را عهده‌دار است، طی فتوایی مردم را به جهاد با آمریکا و متحدان آن در صورت حمله به افغانستان فراخواند. علمای پاکستان در این فتوا حمله به افغانستان را اقدامی تروریستی خواندند و اعلام کردند «بر تمامی مسلمانان جهان تکلیف است که از کشورهای اسلامی و مسلمانان دفاع کنند. مردم پاکستان و علمای آن به آمریکا اجازه نخواهند داد که منافع و هویت پاکستان و افغانستان را در هم شکنند».<sup>۱۹</sup>

مولانا ناصر الدین معاون شورای علمای پاکستان از برگزاری تظاهرات در سراسر کشور در روز ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۱ / ۸۰/۶/۳۰ و همچنین کنفرانس مرگ بر آمریکا در اعتراض به وعده همکاری کامل پرویز مشرف با آمریکا خبر داد. وی افزود «ما به رئیس‌جمهوری پاکستان هشدار می‌دهیم که پیش از اتخاذ هر گونه تصمیمی در حمایت از آمریکا، احساسات مردم پاکستان را در نظر آورد».<sup>۲۰</sup>

در روز (۱۸ سپتامبر ۲۰۰۱ / ۸۰/۶/۲۸) صدها تن از فعالان جماعت علمای اسلامی پاکستان در تظاهراتی بر ضد حمله احتمالی آمریکا

مشرف مبنی بر همکاری با آمریکا موافقت.<sup>۱۳</sup> گروه‌های اسلامی سنی مذهب پاکستان با تشکیل ائتلافی با عنوان شورای دفاع از پاکستان و افغانستان متشکل از دستکم سی حزب به ریاست مولانا سمیع الحق مخالفت خود را با پیوستن پاکستان به ائتلاف ضد طالبان اعلام کردند.<sup>۱۴</sup> افزون بر آن، شخصیت‌های مذهبی و رهبران این گروه‌ها در سخنرانی‌ها و بیانیه‌های خود به تشویق مردم در مخالفت با این امر پرداختند.

قاضی حسین احمد رهبر جماعت اسلامی در جریان نشست فوق‌العاده حدود سی حزب مذهبی در لاهور در ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۱ طی نطقی گفت: حمله به افغانستان بسیار فجیع خواهد بود... ما به حاکمان پاکستان و آمریکا توصیه می‌کنیم از مسیری که در گذشته به شکست و نابودی اتحاد جماهیر شوروی منجر شده خارج شوند... استکبار و بازی قدرت چیزی جز نابودی به همراه نخواهد داشت.<sup>۱۵</sup>

شورای دفاع از پاکستان و افغانستان در نخستین بیانیه خود در همان روز (۱۵ سپتامبر ۲۰۰۱) اعلام کرد که در اعتراض به سیاست‌های آمریکا در منطقه و افغانستان در شهر راولپندی راهپیمایی اعتراضی آمیز خواهند کرد. سران و روحانیون پاکستانی عضو شورای دفاع از پاکستان و افغانستان در این مراسم از دولت پاکستان خواستند به آمریکا اجازه ندهد از خاک این کشور بر ضد گروه طالبان و اسامه بن لادن استفاده شود. آنان تأکید کردند آمریکایی‌ها از این راه می‌خواهند باید جلوه دادن طرفداران دین اسلام، چهره آنان را خدشه‌دار کنند.<sup>۱۶</sup>

روز بعد (۱۶ سپتامبر ۲۰۰۱ / ۸۰/۶/۲۶) احزاب تشکیل دهنده شورای دفاع از پاکستان و افغانستان در نشستی در لاهور به توافق رسیدند که حملات آمریکا به افغانستان را همچون حمله به پاکستان تلقی کنند. آنها هشدار دادند که حمایت پاکستان از هر گونه حمله‌ای ممکن است به جنگ داخلی در این کشور بینجامد. این شورا خواستار آن شد که در سراسر پاکستان اعتصاب و تظاهراتی برپا شود، تا دولت پرویز مشرف ناگزیر گردد تصمیم خود را در حمایت از اقدامات تلافی‌جویانه

○ گرچه سیابودجه خاصی برای تجهیز و تأمین امکانات برای طالبان در نظر نگرفت، اما حمایت ایالات متحده از برنامه هم پیمانان سنتی اش یعنی پاکستان و عربستان در دادن کمک‌های نظامی و مالی به طالبان، نشان دهنده پشتیبانی غیر مستقیم آن کشور از طالبان بود.

به افغانستان در کراچی پرچم‌های آمریکا و آدمک جرج دیلیو بوش را به آتش کشیدند.<sup>۲۱</sup> طی چند روز بعد از حمله به برج‌های مرکز تجارت جهانی و ساختمان پنتاگون و اعلام موضع رسمی دولت پاکستان در حمایت از آمریکا، احساسات ضد آمریکایی به گونه‌ای فزاینده در پاکستان غلیبان کرده بود.

وجود تصاویر بن لادن بر دیوارها و فروش پیراهن‌هایی با تصویر بن لادن در پاکستان و شعارهایی که بر دیوارها بر ضد آمریکا نوشته شده بود، جملگی یادآور حادثه‌ای بود که ده سال پیش از آن اتفاق افتاده بود. در سال ۱۹۹۱ با آمادگی نیروهای ائتلاف برای حمله به عراق نیز چنین احساساتی در پاکستان بروز کرده بود و به همین ترتیب تصاویر صدام حسین بر دیوارها نقش بسته بود و گروه‌های اسلامی ضمن حمایت از صدام، آمریکا و متحدان آن را محکوم کرده و خواستار جهاد مسلمانان در برابر آمریکا شده بودند. همین تشابه، مقامات پاکستان را متقاعد می‌کرد که این احساسات دیر یازود فروکش خواهد کرد، ولی آنچه آنان را نگران می‌کسرده این بود که این بار پاکستان خود بخشی از ائتلاف ضد طالبان بود. ژنرال مشرف در شب ۱۸ سپتامبر طی نطقی خطاب به مردم پاکستان به توضیح وضع موجود پرداخت. وی با اشاره به اوضاع منطقه و با توصیف حوادث اخیر آمریکا بعنوان فاجعه‌ای بزرگ گفت: «هدف کلی آمریکا از آغاز تا امروز، اسامه بن لادن در پایگاه القاعده است. آمریکا خواهان استرداد بن لادن است و چون طالبان با این امر مخالفت می‌کنند به همین خاطر هدف دوم طالبان هستند و هدف سوم مبارزه جهانی علیه تروریسم است. نکته مهم این است که در بین این اهداف هیچ‌جا اسم اسلام و جنگ با افغانستان به چشم نمی‌خورد. آمریکا در سه مورد حمایت ما را می‌خواهد:

۱. تبادل اطلاعات ۲. استفاده از فضای پاکستان
۳. حمایت تدارکاتی پاکستان»<sup>۲۲</sup>

وی با بیان اینکه پاکستان در وضع بسیار حساسی قرار گرفته است و با تأکید بر حفظ منافع ملی افزود:

«به نظر من پس از ۱۹۷۱\*، این مقطع حساس‌ترین موقعیتی است که برای کشور

ما پیش آمده است. اکنون تصمیمات ما پیامدهای بزرگی دارد. هر تصمیم اشتباه پیامدهای زیانباری دارد و می‌تواند تمامیت ارضی ما را به خطر اندازد و حتی برای مسئله کشمیر نیز خطر آفرین باشد. اما از سوی دیگر تصمیم‌گیری درست می‌تواند منفعتهای زیادی نصیب کشور سازد و وضع اقتصادی را بهبود بخشد و پاکستان را بعنوان یک کشور با مسئولیت در صحنه بین‌المللی مطرح سازد... ما با مردم، رئیس سازمان اطلاعات و افسران ارتش مشورت کردیم و متوجه شدیم که تا حدودی اختلاف نظر داریم، اما اکثریت حکمت، تحمل و شکیبایی را ترجیح می‌دهند. البته اقلیتی نزدیک به پانزده تا بیست درصد می‌خواهند بر طبق احساسات خود تصمیم‌گیری کنند. اکنون باید توجه کنیم که کشورهای همسایه ما چه می‌کنند. بعضی از کشورهای همسایه پیشنهاد همکاری نظامی به آمریکا داده‌اند. آنها دوست دلد پاکستان را تروریست معرفی کنند. هند در افغانستان در پی چه هدفی است؟ آنها می‌خواهند اگر تحوولی در افغانستان رخ دهد حتماً حکومتی سر کار بیاید که ضد پاکستان باشد. آنها پیوسته بر ضد پاکستان تبلیغ می‌کنند و می‌خواهند اسلام و مسلمانان را بدنام کنند... ما چهار اولویت اصلی داریم: نخست امنیت کشور و دفاع در برابر تهدیدات خارجی، دوم بهبود وضع اقتصادی، سوم حراست از توان موشکی و چهارم مسئله کشمیر...»<sup>۲۳</sup>

نهضت جعفریه پاکستان در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۱ / ۲۹ شهریور / ۸۰ یعنی یک روز پس از نطق پرویز مشرف، با اندکی تأخیر، موضع رسمی خود را اعلام کرد. این تأخیر در اعلام موضع شاید بیشتر معلول بحران تصمیم‌گیری در درون این گروه بود. نهضت جعفریه از یک سو می‌خواست طالبان و حامیان پاکستانی آنان که رقیبان جدی این گروه در صحنه سیاسی و فرقه‌ای پاکستان بودند منزوی و محدود شوند و از سوی دیگر نمی‌خواست به موضع ضد آمریکایی نهضت

○ پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر، تصمیم اسلام‌آباد مبنی بر حمایت از آمریکا در جنگ با طالبان و دادن پایگاه به نیروهای آمریکایی، موضعی بود فارغ از گرایشهای ایدئولوژیک که صرفاً از منافع ملی پاکستان سرچشمه می‌گرفت.

می‌شود... اگر حملات آمریکا و انگلستان به افغانستان متوقف نشود (I.S.O) نیروهای خود را برای جهاد اعزام خواهد کرد.<sup>۲۶</sup>

علی رغم سخنان پرویز مشرف و تلاش وی در جهت افق افکار عمومی پاکستان و کسب رضایت مردم در حمایت از آمریکا، پاکستان شاهد روند سریع تشدید بحران و اقدام عملی گروه‌های اسلامی بود. در روز ۱۹ سپتامبر هزاران اسلام‌گرا طی تظاهراتی در کراچی تهدید کردند چنانچه آمریکا از خاک پاکستان برای حمله به افغانستان استفاده کند، از آمریکایی‌ها انتقام خواهند گرفت و فرودگاه‌های پاکستان را زیر کنترل خود در خواهند آورد. مفتی نظام الدین شمازی عضو جمعیت علمای اسلام در این تظاهرات از مردم خواست اگر هواپیماهای آمریکایی برای حمله به افغانستان در فرودگاه‌های پاکستان به زمین نشستند مردم این فرودگاه‌ها را به تصرف خود در آورند و از نظامیان آمریکایی انتقام بگیرند.<sup>۲۷</sup>

او تشدید پرویز مشرف با نگرانی از اینکه مناطق قبایلی به افغانستانی دیگر در درون پاکستان تبدیل شود و به صورت محل فعالیت گروه‌های اسلامی برضد دولت پاکستان و آمریکا و پایگاهی برای حمایت از طالبان در آید، با سران قبایل پاکستان دیدار کرد. شایسته ذکر است که مناطق قبایلی در استان سرحد پاکستان و در مرز افغانستان از مناطق دور از دسترس دولت محسوب می‌شود. این مناطق با برخورداری از خودمختاری و حاکمیت فدرال پیوسته محل فعالیت گروه‌های زیرزمینی قاجاقچیان و محکومان فراری بوده است.

به گزارش منابع رسمی پاکستان، سران قبایل ایالت‌های سرحد و بلوچستان که در این دیدار حضور داشتند از تصمیمات دولت و سیاست آن حمایت و تأکید کردند که برای حفاظت از مرزهای غربی کشور آماده هرگونه فداکاری هستند.<sup>۲۸</sup> نخستین گروه از اسلام‌گرایانی که برای حمایت و همکاری با طالبان در جنگ با آمریکا به حرکت درآمدند از جمعیت علمای اسلام بودند. فعالان این گروه در ۲۲ سپتامبر به سوی مرز افغانستان به حرکت درآمدند تا از طالبان در برابر حمله آمریکا به افغانستان دفاع کنند. این گروه

خنده‌های وارد شود. این احساس دوگانه نهضت بهروشنی در بیانیه علامه سید ساجد علی نقوی بروز یافت. وی حمایت خود را از موضع دولت در همکاری با آمریکا مشروط به ارائه اسناد و شواهد قوی علیه عاملان حملات اخیر کرد. رهبر نهضت جعفری در واکنش به اظهارات پرویز مشرف اعلام کرد:

همکاری پاکستان با جامعه جهانی بر ضد تروریسم اقدامی مناسب است اما مردم پاکستان به عملکرد و وعده‌های آمریکا اطمینان ندارند زیرا از این کشور در گذشته ضربه دیده و آمریکایی‌ها آزمایش خود را به مردم پاکستان پس داده‌اند... کوچکترین اشتباه می‌تواند امنیت پاکستان را به خطر بیندازد و ارتش این کشور به هیچ وجه نباید در جنگ با مردم افغانستان\* شرکت کند.<sup>۲۹</sup>

حامد علی شاه موسوی رئیس نهضت اجرای فقه جعفری نیز حمایت خود را از دولت پاکستان اعلام کرد. وی در پشتیبانی از دولت پاکستان و ضمن اعتراض به تظاهر کنندگانی که در شهر زاهدان به کنسولگری پاکستان حمله کرده بودند گفت: «تظاهرات در حمایت از مردم مظلوم افغانستان در برخی از کشورهای اسلامی مانند اشک تمساح است. سوزاندن کنسولگری پاکستان موجب تقویت استعمار و تقسیم بیشتر جهان اسلام می‌شود.»<sup>۳۰</sup> ولی سازمان دانشجویان امامیه، (I.S.O) با اوج گیری حملات آمریکا به طالبان اعلام کرد در جهاد برضد آمریکا شرکت خواهد کرد. رضا جعفری رییس این سازمان در کراچی طی سخنانی در اجلاس این سازمان گفت:

حملات آمریکا و انگلستان به مردم مظلوم افغانستان یک بار دیگر خوی ظالمانه و خشونت طلب آنها را آشکار ساخت. به نظر ما بحران‌های جاری در فلسطین، کشمیر و بوسنی به حوادث اتمی هیروشیما، تخریب کارخانه‌های داروسازی سودان، حملات بی‌دلیل به مردم مظلوم عراق، سقوط هواپیمای مسافربری ایران، فاجعه ۱۱ سپتامبر و حملات هوایی به مردم مظلوم افغانستان جریانی واحدی از عملیات تروریستی است که توسط آمریکا انجام

○ بسیاری از تحلیلگران معتقدند که قرار گرفتن اسلام‌آباد در کنار واشنگتن در رویارویی با طالبان، نشانه زبرکی و شناخت وضع موجود از سوی زمامداران پاکستان بوده است.

اعلام کرد مجاهدانی که در اردوگاه‌های داخل افغانستان آموزش دیده‌اند به سوی پایگاه‌های هوایی در پاکستان نیز فرستاده خواهند شد تا مانع استفاده نظامیان آمریکایی از آنها شوند.<sup>۲۱</sup>

گروه‌های دیگری نیز عزم خود را برای عزیمت به افغانستان جزم کردند. تظاهرات و درگیری‌های داخلی و تلاش‌های به عمل آمده به منظور بسیج مردم برای رفتن به افغانستان باعث شد که دولت به بازداشت تعدادی از رهبران سنی‌مذهب مبادرت ورزد. مولانا سمیع الحق رهبر جمعیت علمای اسلام در ۱۷ اکتبر ۱۶/ مهر ماه در حالی که عازم شرکت در جلسه شورای علمای پاکستان برای صدور فتوایی در مورد حملات آمریکا به افغانستان بود بازداشت شد.<sup>۲۰</sup> فردای آن روز اعظم طارق رییس سپاه صحابه و فضل الرحمن نیز بازداشت شدند.<sup>۲۱</sup>

قاضی حسین احمد رهبر جماعت اسلامی که پیش از آن اعلام کرده بود با حکومت پاکستان کار نداریم و بیشتر حمله ما متوجه آمریکاست، در ۱۲۳ اکتبر ۲۰۰۱/ ۲۱ آبان ۸۰ در حالی که زیر نظر نیروهای امنیتی بود اعلام کرد: «مسئولان دولت با اعلام حمایت از حمله آمریکا به افغانستان خیانت بزرگی مرتکب شدند. اکنون زمان آن فرارسیده است که با اتحاد ارتش و مردم، دست این شخصیت‌های وابسته به آمریکا از امور سیاسی کشور کوتاه شود.» وی خواسته خود را بر پایه این تحلیل قرار داده بود که «پس از برکناری ارتشبد مشرف از ریاست جمهوری و ریاست ارتش، نیروهای نظامی آمریکا جرأت نخواهند کرد در پاکستان مستقر شوند»<sup>۲۲</sup>

سمیع الحق نیز در محل بازداشت خود طی مصاحبه‌ای اظهار داشت «ما وقتی احساس کنیم سلطه آمریکا بر پاکستان در حال افزایش است از گرفتن سلاح در دست دریغ نخواهیم کرد... نظام طالبان عین اسلام است و ما آن را در پاکستان نیز به اجرا خواهیم گذاشت»<sup>۲۳</sup>

یکی از گروه‌هایی که بسیار تحت تأثیر این حوادث قرار گرفت «تحریک نفاذ شریعت محمدی» بود. این گروه که محل عمده فعالیت آن در مالاکنڈ در شمال پاکستان است و رهبری آن را صوفی محمد عهده‌دار است با انگیزه دفاع از

نیروهای طالبان در برابر حملات نظامی آمریکا و متحدان آن، در رأس هفت هزار نفر از دوطالبان مسلح محلی راهی افغانستان شد. آماسپس از سقوط کابل تنها با ۳۵ نفر از همراهان خود توسط نیروهای طالبان تا مرز مشترک افغانستان و پاکستان در منطقه کرم ایجنسی بدرقه گردید.

صوفی محمد بی درنگ پس از بازگشت دستگیر و زندانی شد. وی در بیانیه‌ای که از زندان صادر کرد اعلام نمود برای پرهیز از جنگ داخلی خود را به مأموران تسلیم کرده است.<sup>۲۴</sup>

عقب‌نشینی طالبان، همه محاسبات در افغانستان را به هم ریخت و حتی در پاکستان که بزرگترین حمایت مردمی از طالبان در آن دیده می‌شد و به عبارتی ۸۷ درصد مردم از طالبان حمایت می‌کردند نوعی سرگردانی حاکم شد. این خیل عظیم که در طول بحران افغانستان با موضع رسمی دولت پاکستان فعلاً نه به مخالفت پرداخته و اوضاع را تا آستانه انفجار پیش برده بودند، با آغاز عقب‌نشینی نیروهای طالبان به یک گروه خنثی و ساکت تبدیل شدند. گرچه رهبران گروه‌های اسلامی پاکستان با گرایش‌های مختلف تعهد خود را به استمرار اقداماتشان تا زمان توقف حملات آمریکا به افغانستان و واگذاری سرنوشته افغانستان به دست مردم آن کشور یا سرنگون کردن دولت نظامی پاکستان به جرم دادن تسهیلات به واشنگتن در جنگ افغانستان اعلام داشتند، ولی خورخ و سستی آنها کاملاً مشهود بود.

عبدالعزیز غفار از رهبران گروه‌های اسلامی پاکستان اظهار داشت عقب‌نشینی سریع و عجیب طالبان و مبهم بودن اوضاع سیاسی افغانستان بر برنامه سیاسی ما در حمایت از طالبان اثر عمیقی بر جای گذاشت به گونه‌ای که معتقدیم دیگر بر بایی تظاهرات و راهپیمایی نمی‌تواند تأثیری بر روند اوضاع افغانستان داشته باشد.<sup>۲۵</sup>

جمعیت علمای اسلام به رهبری مولانا سمیع الحق نیز اعلام کرد عقب‌نشینی تاکتیکی طالبان از شهرهای افغانستان عامل اصلی بود که موجب شد تظاهرات روزانه به تظاهرات هفتگی

○ مولانا سمیع الحق  
رهبر جمعیت علمای اسلام در پاکستان: هرگاه احساس کنیم سلطه آمریکا بر پاکستان در حال افزایش است، از گرفتن سلاح در دست دریغ نخواهیم کرد... نظام طالبان عین اسلام است و ما آن را در پاکستان نیز به اجرا خواهیم گذاشت.

برای استقلال و تروریسم تمایز قائل شد و هر گونه اقدام تروریستی را محکوم کرد.<sup>۳۷</sup>

در واقع دولت پاکستان از این زمان عزم خود را جزم کرد که گروه‌های اسلامی و فرقه‌گرا و مدارس دینی را در این کشور محدود سازد. آنچه رئیس‌جمهور پاکستان را به این نتیجه رساند، یکی سیاست آمریکا مبنی بر محور تروریسم بود. آمریکا پس از سرکوب طالبان و القاعده می‌خواست ریشه‌های این حرکت که مدارس مذهبی و گروه‌های فرقه‌گرا در پاکستان بودند محدود شوند. از سوی دیگر، این گروه‌ها می‌توانستند در آینده تهدیدی برای دولت پاکستان باشند. توان بسیج این گروه‌ها نشان داد که آنها می‌توانند در شرایطی خاص، جمعیت انبوهی را به میدان آورند و در برابر دولت قرار دهند. دیگر اینکه اقدامات لشکر طیبه و جیش محمد - گروه‌هایی که در صحنه مبارزات کشمیر فعال بودند - و گسترش فعالیت آنها به خارج از کشمیر که نمونه بارز آن اقدام به تیراندازی در برابر ساختمان پارلمان هند بود، این بیم را به وجود می‌آورد که تنش میان هند و پاکستان شدت یابد و همین امر باعث شود که پاکستان در عرصه بین‌المللی بعنوان دولتی هوادار تروریسم معرفی شود.

با آنکه پرویز مشرف حتی پیش از حوادث یازده سپتامبر یعنی در اوت ۲۰۰۱ فعالیت سپاه محمد و لشکر جهنگوی را ممنوع و از جمع‌آوری اعانه و کمک توسط گروه‌های جهادی برای مبارزه در کشمیر جلوگیری کرده بود و نیز دفتر جمعیت علمای اسلام در ایالت سرحد را منحل کرده و «تحریک جعفریه» و «سپاه صحابه» را تحت نظر قرار داده بود، اکنون وقت آن بود که در پی این اقدامات، تصمیمی کلی در خصوص همه گروه‌های اسلام‌گرا و مدارس مذهبی گرفته شود.

سخنرانی مهم او در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۱ / ۲۳ دی ماه ۱۳۸۰ خطاب به ملت، دربرگیرنده نکات مهمی بود. وی بار دیگر بر عزم خود در مبارزه با افراط‌گرایی، خشونت و تروریسم تأکید کرد و از علما خواست به صحنه آیند و چهره واقعی اسلام را که مبتنی بر تساهل و برادری است به مردم بنمایند. پرویز مشرف ضمن برشمردن اقداماتی که از ابتدای تصدی قدرت در خصوص از میان برداشتن

## برنامه پرویز مشرف

### برای مبارزه با فرقه‌گرایی

پرویز مشرف نشان داد که با انتخاب شعار «اول پاکستان، بعد هر چیز دیگری» - شعاری که پس از یازدهم سپتامبر در کوچه و خیابان‌های شهرهای پاکستان به چشم می‌خورد - بینش خوبی در ارتباط با منافع ملی پاکستان دارد و منافع ملی کشورش را با هیچ چیز دیگر، حتی متحدان طالبانی خود در افغانستان معامله نمی‌کند. البته این واقعیت را باید پذیرفت که پاکستان گزینه بهتری نیز پیش رو نداشت.

او خوب آگاه بود که وارد بازی خطرناکی شده است. گرچه موج طرفداری از طالبان در پاکستان تا اندازه‌ای فروکش کرده بود ولی پدرخوانده‌های طالبان در پاکستان حضور داشتند. مدارس مذهبی، گروه‌های اسلامی و روحانیون بسیار بر نفوذ پاکستانی نه از طالبان حمایت می‌کردند، از پرویز مشرف به علت روگردانی از طالبان خشمگین بودند. استراتژی «اول پاکستان بعد هر چیز دیگر»، همچون انقلابی کوپرنیکی بود؛ بدین صورت که پاکستان سیاست گذشته خود را در قبال افغانستان تغییر داد و در برابر مسلمانان بنیادگرا قرار گرفت.

زنگال پرویز مشرف از دو ابزار سرکوب و توجیه برای به کرسی نشاندن سیاست جدید خود بهره گرفت و بدین ترتیب پیش‌بینی بسیاری از صاحب‌نظران در خصوص بروز انفجار داخلی در پاکستان راست نیامد. پاکستان توانست خود را بعنوان متحدی قابل اعتماد برای آمریکایی‌ها نشان دهد. پرویز مشرف ضمن سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل به مسائلی اشاره کرد که در سال‌های اخیر موجب جدایی پاکستان از جامعه جهانی شده بود: موضوع کشمیر، اسلام‌گرایی و سیاست پاکستان در قبال افغانستان. پرویز مشرف به گونه‌ای با این مسائل برخورد کرد که هیچ‌گونه خدشه‌ای به اعتماد متحدان غربی به وی وارد نیاید و در عین حال شأن و منزلت ملت پاکستان نیز حفظ شود. مواضع پرویز مشرف در خصوص بحران کشمیر بسیار روشن و شفاف بود. او میان مبارزه

○ پرویز مشرف نشان داد که با انتخاب شعار «نخست پاکستان، بعد هر چیز دیگر»، بینش خوبی نسبت به منافع ملی پاکستان دارد و منافع ملی کشورش را با هیچ چیز دیگر معامله نمی‌کند.



خشونت و افراط‌گرایی انجام داده است و با اشاره به موضع پاکستان در قبال بن‌لادن و طالبان و حمایت این کشور از آمریکا اظهار داشت: «آنچه واقعاً مرا آزار می‌دهد این است که برخی از احزاب و گروه‌های دینی افراطی با تصمیم من مخالفت کردند و رنج آورتر اینکه مخالفت آنها فاقد هرگونه بنیانی بود. آنها در مقطع حساسی از تاریخ ما، منافع شخصی و حزبی خود را بر منافع ملی ترجیح دادند. آنها کوشیدند ملت را گمراه کنند... اما تلاش آنها با شکست مواجه شد... مردم پاکستان برنامه آنها را ناکام گذاشتند.»<sup>۳۸</sup>

وی افزود:

سالهاست که تروریسم فرقه‌ای استمرار دارد. همه ما از آن خسته شده‌ایم... مردم صلح دوست ماسمی خواهند از فرهنگ کلاشینکوف و اسلحه‌هایی یابند... بدین دلیل بود که لشکر جهنگوی و سپاه محمد را توقیف کردیم. با وجود این بهبود اندکی حاصل شده است. آیا ما می‌خواهیم پاکستان کشوری دین‌سالار باشد؟ آیا معتقدیم که آموزش دینی به تنهایی برای حکومت کردن کافی است، یا اینکه می‌خواهیم پاکستان بعنوان دولت رفاه اسلامی متمدنی و پویا ظهور کند؟<sup>۳۹</sup>

پرویز مشرف در ادامه سخنانش، با بیان اینکه مدارس دینی در پاکستان نقش مهمی در امور رفاهی بازی می‌کنند متذکر شد که شمار اندکی از آنها مشوق فرقه‌گرایی و خشونت بوده‌اند و این اقدامات با روح تعالیم دینی منافات دارد. وی اعلام کرد که ما برنامه جدیدی برای مدارس دینی طراحی کرده‌ایم و قصد داریم مسایل منفی این مدارس را کنار نهاده و بر جنبه‌های مثبت آنها تأکید ورزیم. چشم‌اندازی که پرویز مشرف از آینده مدارس دینی ارائه کرد بدین صورت بود که مدارس دینی ضمن آموزش علوم دینی، طلاب را با علوم جدید نیز آشنا سازند و بدین وسیله با مدرنیزه شدن آموزش، طلاب بتوانند نقش مفیدتری در جامعه بازی کنند. وی همچنین تأکید کرد که مدارس دینی و مساجد باید پیوسته تحت مراقبت باشند تا مورد سوءاستفاده در جهت فرقه‌گرایی قرار نگیرند.

وی در خصوص گروه‌های فرقه‌گرا و افراطی

گفت:

... من پیش از این در ۱۴ اوت سال گذشته لشکر جهنگوی و سپاه محمد را توقیف کردم و سپاه محمد و تحریک جعفریة پاکستان را تحت مراقبت قرار دادم. متأسفم بگویم که هیچ بهبودی در اوضاع حاصل نشده است. خشونت فرقه‌ای همچنان جریان دارد... در سال ۲۰۰۱ حدود ۴۰۰ نفر بیگناه قربانی کشتارهای فرقه‌ای و دیگر کشتارها شده‌اند. بسیاری از این آدمکشان به سپاه صحابه و تحریک جعفریة پاکستان وابسته‌اند. این وضع را دیگر نمی‌توان تحمل کرد. بنابراین توقیف سپاه صحابه و تحریک جعفریة پاکستان را اعلام می‌کنم. علاوه، تحریک نفاذ شریعت محمدی نیز که مسؤول گمراه کردن هزاران نفر ساده‌اندیش و بینوا و فرستادن آنها به افغانستان است توقیف می‌شود. دولت تصمیم گرفته است سنی تحریک را نیز تحت مراقبت قرار دهد. از این پس هیچ سازمانی حق تشکیل لشکر، سپاه یا جیش را ندارد. دولت همچنین جیش محمد و لشکر طیبه را توقیف کرده است. هر سازمان و فردی که بخواهد به اقدامات خشونت‌آمیز در حوزه داخلی و خارجی مبادرت ورزد با مجازات شدید روبرو خواهد شد.<sup>۴۰</sup>

وی در مورد مساجد متذکر شد که این اماکن بسیار مقدس است و باید قداست آنها حفظ و رعایت شود. بنابراین هرگونه فعالیت سیاسی و فرقه‌ای در مساجد ممنوع است و سرپرست آنها مسؤول شناخته می‌شود.

پرویز مشرف اعلام کرد که مدارس دینی باید تحت مدیریت دولت قرار گیرد و اداره آنها بر طبق قوانین ناظر به دیگر مدارس (غیردینی) صورت گیرد و هیچ مدرسه‌ای بی‌اجازه حکومت تأسیس نخواهد شد.<sup>۴۱</sup>

تقریباً در تمام پایتخت‌های مهم، سخنان پرویز مشرف مورد استقبال قرار گرفت. کالین پاول از نقش پاکستان بعنوان کشور خط مقدم در برابر تروریسم تمجید کرد و ابراز امیدواری نمود که سخنان پرویز مشرف مبنایی صلح‌آمیز برای

○ ژنرال پرویز مشرف  
از دو ابرو سرکوب و توجیه  
برای به کرسی نشاندن  
سیاست تازه خود در  
خصوص طالبان بهره‌گرفت  
و بدین سسان پیش‌بینی  
بسیاری از صاحب‌نظران در  
مورد بروز انفجار داخلی در  
پاکستان راست نیامد.

از میان رفتن تنش بین هند و پاکستان ایجاد نماید. واکنش رسمی دهلی نو هر چند استقبالی محتاطانه همراه با تأکید بر پی گیری عملی وعده‌ها بود، اما تنش نظامی در مرزها فرو نشست. بیشتر احزاب اپوزیسیون هند نیز با دیدی مثبت به سخنرانی نگرستانند. پرویز مشرف همچنین بر اقدامات مثبتی بر اصلاحات در مدارس دینی تأکید کرد. این اقدامات می تواند به خودمختاری و حوزه انحصاری سرپرستان مدارس دینی پایان دهد لذا به دقت و اجرای صحیح نیاز دارد.

آنچه در فحوای ایدئولوژیک سخنان پرویز مشرف اهمیت دارد این است که وی پرورده‌های ارتجاعی و مفاهیم گرایش به سیستم افراطی مذهبی در جامعه و دولت را معکوس ساخت اما پرورش اساسی این است که آیا تغییرات کاملاً چشمگیری که اعلام شده به یک اصلاح همه‌جانبه در کشور خواهد انجامید یا نه.

در بُعد داخلی، پرویز مشرف با درک هویت پیچیده جامعه مذهبی پاکستان تلاش کرد تا سخنرانی اش از منطلق دینی فاصله نگیرد. او با گوشزد کردن وجوه مربوط به اعتدال و میانروی در اسلام از همان سلاحی که افراطیون مذهبی برای تحریک احساسات مردم به کار می بردند استفاده کرد تا آنان را خلع سلاح نماید. لذا به نظر می رسد سخنرانی وی در ابعاد وسیعی مورد استقبال قرار گرفته است ضمن آنکه انتقادات چهره‌های وابسته به گروه‌های مذهبی افراطی که غالب رهبران آنها از قبل تحت نظر قرار گرفته‌اند از مرحله کلام فراتر نرفته است.

روشن است که پرویز مشرف قصد دارد با تصمیم گیری در جهت زدودن نتایج حاصله از سیاست‌های سلف نظامی خود- ضیاء الحق- که مذهب را برای مشروعیت بخشیدن به قدرت خود به کار می گرفت، به مبارزه ادامه دهد. او حتی از باقی ماندن در سمت ریاست جمهوری به منظور تکمیل برنامه‌های بازسازی اجتماعی و سیاسی سخن گفته است. با تلاش در جهت قطع ارتباط سازمان‌های اطلاعاتی بویژه I.S.I با گروه‌های مذهبی، کنترل منابع مالی خارجی و روند گردآوری اعانه‌های داخلی، پرویز مشرف هم‌اکنون خود را در موضعی می بیند که کمند پیرامون این نیروها را محکم تر

سازد. هر چند تحولات ماه‌های اخیر نشان داده است که مقاومت افراط گرایان چشمگیر نخواهد بود، لکن با توجه به نفوذ این نیروها در سطوح مختلف نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پاکستان، موفقیت او منوط به سازماندهی مناسب، هماهنگی کامل نهادهای قدرت و تداوم این سیاست‌ها خواهد بود.

به دنبال این سخنان، فعالیت پنج گروه مذهبی از جمله تحریک جعفریة پاکستان و سپاه محمد ممنوع اعلام شد. در حکم ممنوعیت فعالیت این گروه‌ها، بر دست داشتن آنها در تروریسم تأکید شده بود. در این احکام با استناد به قانون مبارزه با تروریسم مورخ ۱۹۹۷ این گروه‌ها در ردیف لوآل موضوع این قانون قرار گرفته بودند.<sup>۲۲</sup>

از سوی دیگر، دولت تصمیم گرفت همه مدارس دینی را که بوسیله نهضت جعفری و سپاه صحابه اداره می شوند و در فعالیت‌های تروریستی و فرقه‌گرایی دخیل هستند تعطیل کند.<sup>۲۳</sup> دولت اقدامات دیگری نیز برای مهار کردن مدارس دینی و مساجد و متوقف ساختن گروه‌های فرقه‌گرا انجام داد. برای نمونه، قائم مقام اداره امور خارجی ایالت سند اعلام کرد از روحانیون مساجد مهم کراچی هنگام ایراد خطبه‌های نماز جمعه فیلمبرداری خواهد شد و در صورتی که آنها نفرت، افراط‌گرایی و فرقه‌گرایی را تبلیغ کنند، آن مدارس دینی یا مساجد مهر و موم و امام جماعت بر پایه قانون مبارزه با تروریسم محاکمه خواهد شد.<sup>۲۴</sup>

در عملیات پاکسازی که در سراسر کشور انجام گرفت تا روز ۲۴ ژانویه ۲۰۰۲، ۲۰۱۰ تن از فعالان شبه نظامی دستگیر و ۶۵۴ دفتر متعلق به لشکر طیبه، جیش محمد، حرکت المجاهدین، تحریک نفاذ شریعت محمدی، تحریک جعفریة پاکستان و سپاه صحابه مهر و موم شدند.<sup>۲۵</sup>

گرچه مخالفت‌هایی نیز از سوی گروه‌های مختلف اسلامی صورت گرفت که از جمله آنها می توان به نزدیکی بیشتر جماعت اسلامی و مسلم لیگ شاخه نواز در مبارزه با اقدامات پرویز مشرف در عملیات علیه نیروهای مذهبی اشاره کرد،<sup>۲۶</sup> ولی به نظر می رسد که پرویز مشرف عزم خود را جزم کرده است که برنامه ناتمام خود را به اتمام

○ پرویز مشرف می خواهد با زدودن نتایج حاصل از سیاست‌های ضیاء الحق که مذهب را برای مشروعیت بخشیدن به قدرت خود به کار می گرفت، به مبارزه ادامه دهد.

به پیشینیان ناکام خود خواهد پیوست.

### فهرست منابع

1. Kamal Matinuddin, *The Taliban Phenomenon: Afghanistan 1994-1997* (Karachi: Oxford University Press, 1999) p. 25
2. Ahmad Rashid, *Taliban: Islam, Oil and the New Great Game in Central Asia* (New York: I.B. Tauris, 2000) p. 177
3. *Ibid.* p. 178
4. *Ibid.* pp. 180-182
5. *Ibid.* p. 182
۶. محمد جمال رهنمایی، «روزهای سخت برای مشرف»، *حیات نو*، ۱۳۸۰/۸/۶؛ «حکومت مشرف مهدها با سقوط»، *الحوادث* ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱
۷. نوذر شفیعوی و پیر محمد ملازهی، «مشکلات پاکستان در بحران اخیر»، *گزیده پژوهش‌های جهان*، سال نول، شماره ۱۵، مهر ۱۳۸۰، ص ۴۵
۸. همان
۹. حمزه اعظمی، «تحلیل رویکردهای اسلام‌آباد به حوادث اخیر»، *انتخاب*، ۱۳۸۰/۷/۲۱
۱۰. همان؛ همچنین رجوع شود به مقاله «پاکستان قابل کنترل نیست» (به نقل از لوموند ۲۴ اکتبر ۲۰۰۱). *حیات نو*، ۸/۸/۰۸
11. "Musharraf on the Tightrope", *Economist*, 8 Oct. 2001
۱۲. «اصلاحات یک فرایند طولانی است: مصاحبه با پرویز مشرف»، *حیات نو*، ۲۲/اسفند/۱۳۷۹
۱۳. *خبرنامه افغانستان*، اداره کل فرهنگی آسیا و اقیانوسیه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، اداره شبه قاره هند، شماره ۴، ۸۰/۷/۳۰، ص ۲
۱۴. *روزنامه جام جم*، ۱۳۸۰/۸/۷
۱۵. تهران/واحد مرکزی خبر/سیاسی، ۸۰/۶/۲۵
۱۶. همان
۱۷. تهران/واحد مرکزی خبر/سیاسی، ۸۰/۶/۲۶
۱۸. همان
۱۹. تهران/واحد مرکزی خبر/سیاسی، ۸۰/۶/۲۸
۲۰. همان
۲۱. تهران/واحد مرکزی خبر/سیاسی، ۸۰/۶/۲۸
۲۲. اخبار دفاتر نمایندگی خارج از کشور واحد مرکزی خبر، اخبار خارجی (شش‌روزه‌های خارجی) ۸۰/۷/۶

رساند. نتایج همه‌پرسی اخیر که بنابه اعلام رسمی، حمایتی ۹۸ درصدی برای وی به لرغان آورد، به او این امکان را خواهد داد که در فرصتی دستکم پنج ساله برنامه‌های مورد نظر خود را به اجرا گذارد. گرچه اقدامات پرویز مشرف فعالیت گروه‌های اسلامی را در حوزه فرقه‌گرایی محدود خواهد کرد ولی این احتمال وجود دارد که با توجه به مخالفت برخی از احزاب مانند مسلم لیگ شاخه نواز و حزب مردم با برنامه‌های او در آینده شاهد نزدیکی هر چه بیشتر گروه‌های اسلامی به این احزاب به منظور فعالیت مشترک باشیم. این نزدیکی می‌تواند گروه‌های اسلامی را از فاز فرقه‌گرایی خارج و هر چه بیشتر به فاز فعالیت سیاسی در سطح ملی و تبدیل شدن به حزب، نزدیک کند. اقدام جماعت اسلامی در نزدیک شدن به مسلم لیگ شاخه نواز مقدمه این حرکت محسوب می‌شود.

با توجه به نفوذ احزاب اسلامی در لایه‌های پایین جامعه، دور از ذهن نیست که در آینده گروه‌های اسلامی با تعدیل برنامه‌های خود، همراه احزاب پاکستان نامزدهای مشترکی برای انتخابات معرفی کنند.

از سوی دیگر، بر پایه گزارش‌های منتشر شده در مطبوعات و رسانه‌های پاکستان، ریاض بسرائهبر گروه تروریستی لشکر جهنگوی اخیراً در جریان یک درگیری مسلحانه بوسیله پلیس کشته شده است. وی، بعنوان یکی از متهمان اصلی قتل شهید گنجی، سال‌ها متواری بود و قستل وی به نوعی پاسخ درخواست جمهوری اسلامی ایران در زمینه مجازات قاتلان اتباع ایران در پاکستان محسوب می‌شود. شایسته ذکر است که در سال گذشته نیز حق نواز جهنگوی\* متهم دیگر پرونده شهید گنجی در پاکستان اعدام شد.

این اقدامات از سوی دیگر نشان می‌دهد که دولت پرویز مشرف تصمیم دارد به تسویه حساب کاملی دست زند و پرونده‌های معطل مانده مربوط به فرقه‌گرایی را ببندد. باید دید که آیا چالش‌های سیاسی به این ژنرال اجازه خواهد داد به راه خود ادامه دهد یا اینکه وی نیز

○ بر پایه سیاستهای تازه دولت پاکستان، از روحانیون مساجد مهم کراچی هنگام ایراد خطبه‌های نماز جمعه فیلمبرداری خواهد شد و چنانچه آنان نفرت، افراط‌گرایی و فرقه‌گرایی را تبلیغ کنند، آن مساجد یا مدارس دینی تعطیل و امام جماعت بر اساس قانون مبارزه با تروریسم محاکمه خواهد شد.

۳۷. «تتهایی يك نزال»، ترجمان سیاسی، شماره ۵۱، ۱۷

آذر ۱۳۸۰، ص ۳۵۶. این مقاله ترجمه‌ای است از مقاله

Ehrenrovollim Absents که در مجله دی‌سایت، ۲

دسامبر ۲۰۰۱ آمده است.

38. English Rendering of President General Pervez Musharaf's Address to the Nation (January 12, 2002), Islamic Republic of Pakistan, p. 1

39. Ibid. p. 2

40. Ibid. p. 5

41. Ibid. p. 5

42. Prescription of Tehrik-E- Jafaria Pakistan (T,J,P), Government of Pakistan, Ministry of Interior, 14th January 2002

۴۳. نوای وقت، ۱۵ ژانویه ۲۰۰۲

44. The Nation, 16 Jan. 2001

45. The News, 28 Jan. 2001

46. Dawn, 27 Jan. 2002

\* این شخص غیر از نخستین رهبر سپاه صحابه است و این

دو فقط تشابه اسمی دارند.

\* سالی که ینگلادش از پاکستان جدا شد.

۲۲. اخبار دفا تر نمایندگی خارج از کشور... ۸۰/۷/۶

\* تأکیدات از نگارنده است.

۲۴. اسلام آباد / واحد مرکزی خبر / سیاسی، ۸۰/۶/۲۹

۲۵. خیبرنامه افغانستان، اداره کل فرهنگی آسیا و

اقیانوسیه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، اداره شبهه

فازة هند، شماره ۴، ۸۰/۷/۳۰، ص ۱

۲۶. همان، ص ۵

۲۷. تهران / واحد مرکزی خبر / سیاسی، ۸۰/۶/۲۹

۲۸. اسلام آباد، خیبرگزاری جمهوری اسلامی ایران،

۸۰/۶/۳۰

۲۹. تهران / واحد مرکزی خبر / سیاسی، ۸۰/۷/۱

۳۰. تهران / واحد مرکزی خبر / سیاسی، ۸۰/۷/۱۶

۳۱. اسلام آباد / واحد مرکزی خبر / سیاسی، ۸۰/۷/۱۷

۳۲. جیسارت کراچی، ۲۳ اکتبر ۲۰۰۱

۳۳. جنگ، ۱۳ نوامبر ۲۰۰۲

۳۴. احمد رحیمی، «دیوبندیزم سیاسی در پاکستان»

(گزارش منتشر نشده) (وزارت امور خارجه، اداره دوم آسیای

غربی، بی تا) صص ۳۸۹

۳۵. «لساذالم تحقق مظاهرات الجماعات الاسلامیه فی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی